

A Comparative Study of National and International Anti-embezzlement Platforms

- Somayehsadat Mirilavasani** | Assistant Professor, Department of Law,
Payame Noor University, Tehran, Iran.
- Mohamad Ghorbanzadeh** | Assistant Professor, Department of Law,
Payame Noor University, Tehran, Iran.
- Behnam Akbari*** | PhD in International Law, Payame Noor
university, Tehran, Iran.

Abstract




Embezzlement is one of the economic crimes, which undermines public confidence. Embezzlement has a history parallel to the formation of the state. It has had a negative impact on people-government convergence and the economy since the formation of the nation-state in 1649. It has been mentioned in various domestic and international documents. However, there are differences between domestic and international anti-embezzlement platforms including the lack of criminalization of embezzlement in the private sector. There is also a lack of mechanism of international judicial assistance in embezzlement, non-explanation to elaborate on whistleblowing rules on combating embezzlement in Iranian domestic law and there is no warranty of effective international enforcement against embezzlement. The current research is practical as far as its aim is concerned and has been carried out by applied by a qualitative method and the data collection has been carried out through libraries and documents.

Keywords: Betrayal of Trust, Collusion, Embezzlement, Iranian Law, Merida Convention, Whistleblowing.

* Corresponding Author: Behnamakbari2020@gmail.com

How to Cite: Miri lavasani, S. S., Ghorban zadeh, M., & Akbari, B. (2022). Comparative study of national and international anti-embezzlement platforms. *Journal of Criminal Law Research*, 10(39), 165-194. doi: 10.22054/jclr.2022.51192.2085

بررسی تطبیقی بسترهای ملی و بین‌المللی پیرامون مبارزه با اختلاس

- سمیه‌سادات میری لواسانی  استادیار حقوق بین‌الملل گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
- محمد قربانزاده  استادیار حقوق بین‌الملل گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
- بهنام اکبری  * دکترای حقوق بین‌الملل گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

اختلاس به عنوان یکی از جرایم اقتصادی که به اعتماد عمومی نسبت به حاکمیت آسیب میزند هم‌زمان با شکل‌گیری دولت و به خصوص از زمان تشکیل دولت-ملت از سال ۱۶۴۹ میلادی از سابقه برخوردار است. با توجه به تأثیر منفی آن بر هم‌گرایی مردم و دولت و بر اقتصاد، به جهت مقابله با اختلاس در اسناد مختلف داخلی و بین‌المللی به آن اشاره شده است. با این حال، تفاوت‌هایی میان بسترهای داخلی و بین‌المللی مبارزه با اختلاس دیده می‌شوند، از جمله عدم جرم‌انگاری اختلاس در بخش خصوصی، عدم پیش‌بینی سازکار معاضدت‌های قضایی بین‌المللی در زمینه اختلاس، عدم تبیین دقیق مقررات سوت‌زنی در مورد مبارزه با اختلاس در حقوق داخلی ایران در مقابل منطقه‌ای بودن تا بین‌المللی بودن حقوق مبارزه با اختلاس و عدم ضمانت‌اجراهای مؤثر در سطح بین‌المللی برای مبارزه با اختلاس. اینکه اختلاس‌کننده لزوماً باید کارمند دولت و یا کارمند سایر اشخاص حقوق عمومی باشد همچنین تمایز اختلاس با مفاهیم مشابه یکی از ویژگی‌های مهم این مقاله است. پژوهش از منظر هدف، کاربردی و با روش کیفی انجام شده و جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی صورت پذیرفته است.

واژگان کلیدی: اختلاس، تبانی، حقوق ایران، خیانت در امانت، سوت‌زنی، کنوانسیون مریدا.

مقدمه

انسان به منظور برآوردن نیازهای خود به زندگی جمعی روی آورده و با پشت سر گذاشتن فراز و نشیب‌های فراوان، جامعه پیچیده و گسترده‌امروزی را شکل داده است. با توسعه جامعه انسانی و روابط اجتماعی، اداره‌ها و سازمان‌های دولتی و عمومی به وجود آمدند و در طول زمان توسعه پیدا کردند. از زمان پیدایش دولت و برپایی تشکیلات اداری و نهادهای عمومی، سوءاستفاده از اختیارات و فساد مالی همواره تهدیدی جدی برای نهادهای عمومی و عامه مردم بوده است. بطور کلی سوءاستفاده‌های اداری به دو دسته قابل تقسیم هستند: ۱- سوءاستفاده از موقعیت و اختیارات؛ ۲- سوءاستفاده از اموال و امکانات. هر یک از این دو دسته، صورت‌های متنوع و گوناگونی دارند که به نوبه خود نظم و انضباط اداری را مختل ساخته، باعث سلب اعتماد و اطمینان مردم به تشکیلات و دستگاه‌های عمومی و اداری و در نهایت بی‌اعتمادی و بی‌اعتنایی به دولت می‌شود.

برخی از مصادیق سوءاستفاده از اموال و امکانات عمومی و دولتی که طبق قوانین و مقررات جزایی جرم محسوب می‌شوند عبارتند از: اختلاس، تصرف غیرقانونی، تدلیس در معاملات دولتی، اخذ پورسانت، اخذ مال زاید به نفع دولت، برداشت اجرت اجیر به نفع خود و تحمیل هزینه اضافی به دولت. در بین جرایم یادشده، اختلاس و تصرف غیرقانونی جزء شایع‌ترین جرایم اداری هستند که در اکثر کشورهای جهان به عنوان یک معضل فرا روی دولت‌ها و دستگاه عدالت کیفری قرار دارند.

مبارزه با اختلاس از آن رو در نظام جمهوری اسلامی ایران دارای اهمیت است که با توجه به هشت سال جنگ تحمیلی عراق بر ایران و به دنبال آن، سازندگی امور کشور و مشکلات اقتصادی حاصل از آنها، زیاده‌خواهی ناروای برخی از افراد، وجود سازمان‌های بیمار در پاره‌ای از موارد، فرهنگ نادرست موجود در تعدادی از سازمان‌ها و فرهنگ دلّالی و بی‌زحمت به منافع رسیدن و مشکلات اقتصادی برخی از کارکنان زمینه‌ای را فراهم آورده تا رسوخ فساد اداری و مالی بر سازمان‌های کشورمان سهم قابل توجهی را داشته باشد که با گسترش آن در بخش اجرایی مملکت و اشاعه و تعمیق آن در بخش خصوصی، آثار این

فشار به شکل تورم، گرانی، خلافتکاری، تقلب، قانون شکنی، تغییر الگوی مصرف، اسراف و از این قبیل موارد بر جامعه تحمیل می گردد و توان اقتصادی، انسانی، اخلاقی، کارشناسی و مدیریتی جامعه را تحلیل برده و وجدان ملی را به شدت متأثر می سازد (قاهر دوست، ۱۳۹۴: ۸۹).

در حقوق نوین، سیاست کیفری تمایل دارد که از اموال دولتی حمایت بیشتری نسبت به اموال خصوصی به عمل آورد؛ به همین منظور تخریب، سرقت و خیانت در اموال دولتی متضمن مجازات سنگین تری در برابر جرایم مذکور نسبت به اموال شخصی و خصوصی است و چنین قلمداد می شود که تجاوز به اموال عمومی (حداقل در برخی از مصادیق نظیر اختلاس) علاوه بر لطمه به مالکیت، متضمن سلب اطمینان شهروندان از قوای حاکمه و در نتیجه تهدیدی علیه آسایش عمومی است. به همین جهت، اختلاس را به دو اعتبار می توان در دو گروه از جرایم قرار داد: به اعتبار موضوع جرم در طبقه بندی جرایم علیه اموال و مالکیت، و به اعتبار بزه دیده و آثار جرم، در زمره جرایم علیه آسایش عمومی.

وجوه افتراق اختلاس و تبانی در انجام معاملات دولتی این است که نخست، در موضوع تبانی در معاملات، لزوماً مالی به شخص کارمند سپرده نمی شود تا از آن برداشت نماید. دوم، در اختلاس برخلاف تبانی قرارداد خاصی در رابطه با وجوه و اموال سپرده شده وجود ندارد و برداشت و تصاحب مبتنی بر قرارداد نیست. وجه تمایز اختلاس و خیانت در امانت این است که در خیانت در امانت، امین می تواند هر شخصی اعم از کارمند و غیر او باشد ولی اختلاس کننده که تحت عنوان کلی امین قرار دارد حتماً باید کارمند دولت باشد.

وجه تمایز اختلاس با سرقت در این است که در سرقت، مال غیر در خفا بوده می شود ولی در اختلاس، صاحب مال یا نماینده او به اعتبار کارمند بودن شخص و موظف بودن او به رعایت شرایط امانت، اموال خود را در اختیار وی قرار می دهد و این اموال به صورت رسمی و آشکار در دسترس کارمند است ولی او حق تصرف غیرقانونی در آنها را ندارد. وجه تمایز اختلاس با کلاهبرداری در این است که در کلاهبرداری، کلاهبردار بطور مستقیم با صاحب مال یا نماینده او مواجه است ولی در اختلاس مال، وجه مربوط به دولت در اختیار و در دسترس شخص اختلاس کننده است. اختلاس کننده لزوماً باید کارمند دولت و یا

کارمند سایر اشخاص حقوق عمومی باشد؛ با این حال، در کلاهبرداری، مرتکب می‌تواند شخص غیر کارمند باشد.

۱. بسترهای بین‌المللی مبارزه با اختلاس

۱-۱. دکترین حقوقی حاکم بر جرم اختلاس

۱-۱-۱. نظریه ژان پیناتل

ژان پیناتل معتقد است که پدیده مجرمانه از جمله در زمینه جرایم اختلاس، در سه سطح جدا از هم قابل تفسیر و تبیین است: الف. تفسیر بزهکاری به عنوان یک پدیده کلی و توده‌ای (مجموع جرایم ارتكابی در زمان و مکان معین)؛ ب. تفسیر و مطالعه بزهکار به عنوان مباشر عمل مجرمانه‌ای که باید بطور فردی مطالعه شود؛ پ. مطالعه بزه یا عمل مجرمانه که باید آن را با جدا کردن از زندگی یا پیشه مجرمانه مورد نظر، مطالعه نمود (کی‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۲۱). در نظریه شخصیت جنایی که عمدتاً جنبه روان‌شناختی دارد، ابعادی بررسی می‌شوند که در آنها به فرد اجازه داده می‌شود تا از اندیشه مجرمانه به بستر عمل درآید (جوآنمرد، ۱۳۹۰: ۲۱). به عبارت دیگر، گذار از اندیشه مجرمانه به عمل مجرمانه در چارچوب نظریه شخصیت جنایی موکول به این است که چهار متغیر زیر در شخص مجرم جمع باشند: ۱- خودبینی و خودمحوری؛ ۲- بی‌ثباتی روانی؛ ۳- پرخاشگری یا حالت تهاجمی؛ ۴- بی‌اعتنایی یا بی‌تفاوتی عاطفی. بدین ترتیب، جمع این چهار متغیر در فرد انسانی، وی را از غیربزهکار تبدیل به بزهکار کرده و به همین جهت از منظر پیناتل، تفاوت بزهکار با فردی که هنوز مرتکب جرم نشده در این است که این چهار متغیر به هسته مرکزی شخصیت او افزوده نشده است (Caitlin, 2005: 90).

۱-۱-۲. نظریه مرتون

یکی از نظریاتی که در باب تبیین بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از آن مطرح است، نظریه بی‌هنجاری و فشار است. در این مفهوم، علت بزهکاری پیدایش آنومی و گسست اجتماعی

است؛ آنومی در نظریه جرم‌شناسی «دورکیم» نوعی احساس بی‌هنجاری است که نهایتاً به ارتکاب کژروی می‌انجامد. «رابرت مرتون»، جامعه‌شناس امریکایی با بیان نظریه هنجارگسیختگی و تأثیرپذیری از اندیشه‌های دورکیم، اثر قشریندی‌های ناعادلانه اجتماعی را در توزیع فرصت‌ها و اهداف و نیز بر پیدایی و پایایی انحرافات اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد. او با طرح «رویای امریکایی» بیان می‌نماید ترکیبی از پذیرفته‌های مؤگد و ساختار ناعادلانه اجتماعی، فشار شدیدی را بر طبقه محروم جهت انحراف از ارزش‌های اجتماعی و جمعی ایجاد می‌کند، فشاری که آنان را در صورت آسیب‌پذیری به سوی مسیرهای غیرقانونی سوق خواهد داد. بدین ترتیب، در نگاه این نظریه، یک مجرم یا کجرو محصول نوعی نظم خاص اجتماعی و بر مبنای این رویکرد است که انسان‌ها ذاتاً منحرف نیستند. به بیان دیگر، این نظریه هر گونه سرپیچی از وفاق عمومی موجود درباره ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را جرم می‌داند. در خصوص علت جرم، سخن اصلی نظریه فشار آن است که باید این پدیده را ناشی از گسست اجتماعی یا فرآیندهای اجتماعی به حساب آورد که نشان‌دهنده وجود نوعی فشار اجتماعی در درون جامعه است و فشارها یا سرچشمه‌های تنش، طبیعی اجتماعی نه فردی دارند.

۱-۳-۱. نظریات چندعاملی

سیگل پنج رویکرد را در تبیین جرایم مهم می‌داند که عبارتند از رویکرد انتخاب عاقلانه، رویکرد صفات، رویکرد ساختارهای اجتماعی، رویکرد فرآیندهای اجتماعی و رویکرد انتقادی. در رویکرد انتخاب عاقلانه بر این تأکید می‌شود که مجرم در ارتکاب جرم برآورد هزینه-فایده می‌کند و پس از آن، بهترین تصمیم را برای ارتکاب در بهترین زمان می‌گیرد. رویکرد صفات به دو دسته نظریات زیست‌شناختی-اجتماعی و نظریات روان‌شناختی تقسیم می‌شود. در رویکرد ساختارهای اجتماعی، الزام‌های اقتصادی و اجتماعی، تعیین‌کننده‌های اصلی الگوهای رفتارهای مجرمانه هستند. جرم در این رویکرد، نتیجه موقعیت‌های افراد در ساختارهای اجتماعی است. بر اساس نظریات رویکرد انتقادی، علت جرم به نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بازمی‌گردد و حوزه اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برای تبیین جرم

برخوردار است (نوغانی، ۱۳۹۴: ۸۷-۸۶). این نظریه‌ها جرم را نتیجه تعامل عوامل مختلف می‌دانند. نظریه‌هایی مانند نظریه «فونتان»، «کوراکیس» و «بایر» از آن جمله هستند (سعیدی، ۱۳۹۵: ۷۰). با پایه‌ریزی اقتصاد نهادگرایی در دهه ۱۹۷۰ «رونالد کوز» را می‌توان پایه‌گذار تحلیل اقتصادی حقوق مالکیت و «گری بکر» را پایه‌گذار تحلیل اقتصادی جرم دانست (پناهی، ۱۳۹۶: ۲۶۷). هر دو دسته از نظریه‌های اقتصادی و جامعه‌شناختی بر وجود رابطه معنادار بین جرم و نابرابری درآمدی و توزیع رفاه در جامعه تأکید می‌ورزند. اقتصاددانان معتقدند که نابرابری درآمد بر افزایش نرخ رشد جنایت اثر مثبت می‌گذارد و از منظر جامعه‌شناختی برابری درآمدی منجر به کاهش سرمایه‌های اجتماعی می‌شود که نتیجه آن، افزایش نرخ رشد جرایم است (فعال‌جو، ۱۳۹۶: ۱۰۲). از طرفی باید بیان کرد در رسیدگی به جرایم شرکت‌ها و صاحبان سرمایه با اغماض برخورد می‌شود و شاهد تضعیف نمود بیرونی کنترل این جرایم هستیم (دل‌ماس مارتی، ۱۳۸۱: ۲۵).

۲-۱. اسناد بین‌المللی در زمینه مبارزه با اختلاس

۱-۲-۱. کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با فساد (مریدا)

نخستین کنوانسیون ضد فساد جهانشمول که به جرم اختلاس پرداخته در هشت فصل و ۷۱ ماده دولت‌های عضو را ملزم می‌نماید تا در سطحی گسترده و جامع اقدامات ضد فساد را که بر قوانین، مؤسسه‌ها و رویه‌های آنها تأثیر می‌گذارد اجرایی نمایند. در ایران مجمع تشخیص مصلحت نظام در ۱۳۸۷/۰۷/۲۰ و در اجرای اصل ۱۱۲ قانون اساسی با درج بیانیه الحاقی، کنوانسیون را موافق با مصالح نظام تشخیص داد (نظری‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۹۴). بر طبق آیین‌نامه هیئت وزیران، مرجع ملی مبارزه با فساد به عنوان مرجع نظارت‌کننده بر کنوانسیون مریدا در وزارت دادگستری جمهوری اسلامی ایران تشکیل گردید. این کنوانسیون در ۱۴ دسامبر ۲۰۰۵ م. با ۳۰ امضاء لازم‌الاجراء شد. کارهای مقدماتی تدوین این کنوانسیون از آن رو به سرعت انجام گرفت که کنوانسیون‌های بین‌المللی مشابه دیگری را در سطح منطقه‌ای از جمله در سطح سازمان کشورهای آمریکایی، اتحادیه آفریقایی و اروپایی منعقد نموده بودند و به

نوعی آمادگی ذهنی برای انعقاد چنین موافقت‌نامه‌ای وجود داشت (International Monetary Fund, 2008: 43). علاوه بر این، حضور نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی از جمله سازمان شفافیت بین‌المللی، که تأثیر زیادی در روند تصویب و اجرای کنوانسیون مریدا داشتند، در روند تسهیل تصویب کنوانسیون مریدا بسیار تأثیرگذار بود (Yasir, 2012: 65). فرانسه اولین دولت عضو گروه هشت بود که کنوانسیون مریدا را به تصویب رسانده و رئیس گروه دوستان کنوانسیون مریدا شد. این دولت قانونگذاری خود را برای ایجاد محدودیت بیشتر برای جرایم فساد از جمله اختلاس به روزرسانی نموده است (Dirk, 2016: 12). کنوانسیون مریدا قابلیت‌های دولت‌ها برای همکاری حقوقی و قضایی را از طریق ارائه یک مسیر سریع رسیدگی به جرایم منفعل و فعال فساد از جمله اختلاس ارتقاء بخشید (Ackerman, 2011: 454). البته این موضوع قابل ذکر است که همکاری‌های بین‌المللی شامل همکاری‌های حقوقی و قضایی و همچنین اداری است (Sanctis, 2013: 149).

یکی از نقاط تفاوت میان قوانین جزایی ایران و کنوانسیون مریدا این است که اختلاس در قوانین کیفری ایران تنها در بخش دولتی و عمومی قابل ارتکاب است و نه در بخش خصوصی و بنابراین مندرج ساختن ماده ۲۲ کنوانسیون (جرم‌انگاری اختلاس توسط شخص بخش خصوصی) در قوانین جزایی ایران مستلزم اصلاح قوانین موجود از جمله قانون مجازات اسلامی است.

اختلاس به صورت عمده در بخش دولتی ارتکاب می‌یابد. کنوانسیون مریدا در ماده هفت خود، بخش دولتی را مورد توجه قرار داده و برای جلوگیری از اختلاس بر حاکم بودن برنامه‌های آموزشی، اصول کارآیی، شفافیت و معیارهای هدفمند مثل شایستگی، برابری و استعداد و بر پرداخت پاداش تأکید ورزیده است. بسیاری از الزامات دولت‌ها برای مبارزه با فساد از جمله اختلاس با مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب از جمله شفافیت و کنترل مؤثر مرتبط است، از جمله بند چهار ماده ۲۲ که در آن تأکید شده دولت‌های عضو بایستی نظام‌های شفافیت‌مدار را در کشورهای خود برپا دارند. یکی دیگر از مؤلفه‌های کلیدی مبارزه با اختلاس مدنظر کنوانسیون مریدا این است که حقوق کارمندان بایستی بر اساس شایستگی و

سطح توسعه اقتصادی کشور باشد و هیچ عامل تعیین‌کننده‌ای جز قوانین نباید در این زمینه تعیین‌کننده باشد. ماده هشت کنوانسیون میردا در زمینه مبارزه با اختلاس و ارتباط آن با حکمرانی مطلوب مهم تلقی می‌شود چرا که خواستار ارتقاء یکپارچگی، صداقت و مسئولیت در بین مقام‌های دولتی، بکار بردن ضوابط رفتاری جهت اجرای صحیح، آبرومندانانه و مناسب عملکردهای دولتی، مدنظر قرار دادن ابتکارات مربوط به سازمان‌های منطقه‌ای، بین منطقه‌ای و چندجانبه، برقراری اقدامات و نظام‌هایی جهت تسهیل گزارش‌دهی فساد به مراجع مربوط و اتخاذ اقدامات انضباطی شده است. یکی دیگر از سازکارهای مؤثر در مبارزه با اختلاس، راه‌اندازی نظام‌های گزارش‌دهی در زمینه جرایم اختلاس است که پیش‌زمینه آن، آشنایی مردم و مقام‌های دولتی و عمومی با مصادیق اختلاس کارمندان دولت و حتی آن چیزی است که در کنوانسیون میردا بدان اختلاس کارمندان بخش خصوصی اطلاق شده است. علاوه بر این، کارمندان دولت و سایر بخش‌هایی که به نوعی با بودجه عمومی مرتبط هستند بایستی به این واقعیت پی ببرند که اقدامات انضباطی شدیدی در صورت ارتکاب جرایم اختلاس در برابر آنها خواهد بود.

۱-۲-۲. اقدامات اتحادیه اروپا

در اتحادیه اروپا کشورهایی از جمله یونان، بلغارستان، ایتالیا و رومانی با امکان ارتکاب اختلاس بیشتر به نسبت کشورهای همچون دانمارک، سوئد، هلند و فنلاند وجود دارند که در تدوین استانداردها و قوانین بین‌المللی در حوزه اختلاس به طور خاص و فساد به طور عام مشارکت داشته‌اند (Rothstein, 2013: 32).

در دو سند موضع مشترک اتحادیه اروپایی در ارتباط با مذاکرات در شورای اروپا و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اروپا، از دولت‌های عضو خواسته شد تا در مورد کار فساد در سه سازمان مربوط با یکدیگر همکاری داشته باشند تا اطمینان یابند که هیچ گونه عدم انطباقی وجود نداشته و اینکه ابتکارات هر سازمان ضرورتاً دوباره کاری فعالیتی که پیش‌تر در سازمان دیگر صورت گرفته نیست. در هر دو سند فوق، از دولت‌های عضو اتحادیه اروپایی خواسته شد تا مواضع خود را در ارتباط با تمامی موضوعات مدنظر اتحادیه اروپایی

در این ارتباط از جمله اختلاس، با یکدیگر هماهنگ نمایند. آنها مواضع خاصی را در ارتباط با محدوده کنوانسیون‌های بین‌المللی حاکم بر مبارزه با فساد، تعاریف و صلاحیت‌ها، که اعضای اتحادیه اروپایی می‌بایستی در زمان مذاکره راجع به اسناد مرتبط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و شورای اروپا اتخاذ نمایند، اعمال نموده‌اند.

مقررات کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با فساد (مریدا) عضویت سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی منطقه‌ای از جمله اتحادیه اروپایی را تشویق می‌نماید (Szarek, 2010: 43). کنوانسیون اروپایی ضد فساد ۱۹۹۷ در دو سطح مقام‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی مورد تصویب قرار گرفته و شامل سازکارهای همکاری‌های قضایی در امور کیفری و تعهدات مربوط به جرم‌انگاری افعال مجرمانه فساد از جمله اختلاس است. بعلاوه، اتحادیه اروپایی برای هر یک از دولت‌های عضو یک راهبرد مشخص در زمینه مبارزه با فساد پیشنهاد نموده و بر همین اساس مسائل و مشکلاتی را مورد شناسایی قرار داده است، از جمله می‌توان به گزارش پیشرفت مبارزه با فساد کشور «لتونی» دقت نمود که اتحادیه اروپایی در آن، سه فرآیندی را که می‌بایستی برای پیشگیری از فساد دنبال شود مورد شناسایی قرار داده است: ۱- تکمیل یک چارچوب حقوقی؛ ۲- رایه کمک مؤثر از طریق نهادهای حقوقی؛ و ۳- اتخاذ اقداماتی به منظور تقویت آگاهی‌رسانی در زمینه فساد و تغییر ادراک عمومی نسبت به فساد و مصادیق آن از جمله اختلاس (Bryane, 2005: 115).

۱-۲-۳. اقدامات شورای اروپا

کنوانسیون ضد فساد شورای اروپا به دنبال جرم‌انگاری اشکال مختلف جرایم فساد از جمله اختلاس در سطح مقام‌های دولتی فعال و غیرفعال دولتی داخلی (مواد ۲ و ۳)، مقام‌های دولتی فعال و غیرفعال خارجی (ماده ۶)، مجامع و انجمن‌های دولتی داخلی (ماده ۴)، مجامع و انجمن‌های دولتی خارجی (ماده ۶)، مقام‌های رسمی بین‌المللی از جمله دبیران کل سازمان‌های بین‌المللی و مقام‌های این چنین سازمان‌هایی و حتی رؤسای شرکت‌ها و مدیران شرکت‌های دولتی (ماده ۹)، اعضای مجالس قانونگذاری دولت‌های عضو و سایر مجالس دولتی دولت‌های عضو (ماده ۱۰)، قضات و مقام‌های دادگاه‌های داخلی و بین‌المللی از جمله

دادگاه کیفری برای یوگسلاوی سابق، دادگاه اروپایی حقوق بشر و دیوان دادگستری اتحادیه اروپایی (ماده ۱۱) بوده است.

گروه دولت‌های ضد فساد «گرکو»^۱ یک گروه بین‌المللی متشکل از دولت‌های مختلف بوده که در سال ۱۹۹۹ از سوی شورای اروپایی برای نظارت بر انطباق دولت‌ها با استانداردهای ضد فساد سازمان تشکیل گردیده است. در حال حاضر، گرکو ۴۶ عضو داشته که ۴۵ عضو، دولت‌های اروپایی بعلاوه آمریکا هستند. به مانند کنوانسیون ضد فساد سازمان کشورهای آمریکایی، کنوانسیون گرکو نیز از دولت‌های عضو درخواست می‌نماید تا بالاترین و وسیع‌ترین سطح معاضدت‌های حقوقی و قضایی در مرحله تحقیق و تعقیب‌های قضایی در مورد جرایم فساد از جمله اختلاس اعمال شوند (Tarun, 2010: 54).

۱-۲-۴. اقدامات اتحادیه آفریقایی

جرایمی چون اختلاس و ارتشاء در طول دهه‌های گذشته در قاره آفریقا تبدیل به یک امر شایع و فراگیر شده است. کنوانسیون پیشگیری و مبارزه با فساد اتحادیه آفریقایی ۱۱ جولای ۲۰۰۳ در «ماپوتو موزامبیک» مورد پذیرش قرار گرفت. به جز هشت کشور^۲ سایر اعضای اتحادیه آفریقایی، کنوانسیون مزبور را مورد پذیرش قرار دادند. پنج اصل کلیدی کنوانسیون فوق عبارتند از:

۱- احترام به اصول و نهادهای دموکراتیک، مشارکت عمومی، حاکمیت قانون و حکمرانی مطلوب؛

۲- احترام به حقوق بشر و حقوق مردم بر مبنای منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم و سایر اسناد مربوط حقوق بشر؛

۳- شفافیت و پاسخگویی در مدیریت روابط عمومی؛

۴- ارتقای عدالت اجتماعی برای تضمین توسعه متوازن اقتصادی-اجتماعی؛

1. GRECO.

۲. بوتسوانا، جمهوری آفریقای مرکزی، کیپ ورد، مصر، اریتره، جمهوری دموکراتیک عربی صحراوی، جمهوری دموکراتیک سائو تومه و تونس.

۵- محکومیت و مردود اعلان نمودن افعال مجرمانه فساد، جرایم مرتبط و مصونیت. این کنوانسیون جرایم ارتشاء، دارا شدن بلاجهت، اختلاس و سایر جرایم اقتصادی و مالی را به عنوان اعمال مجرمانه تحت پوشش خود قرار داده است. این کنوانسیون جرم‌انگاری توسط دولت‌های عضو در این زمینه‌ها، ایجاد و حفظ نهادهای دولتی ضد فساد، اقداماتی برای ایجاد و تقویت سامانه‌های حسابداری و کنترل داخلی مالی، حفاظت از مطلعین (مخبرین) و سوت‌زنندگان، اقداماتی به منظور بهبود گزارش‌دهی جرایم مشمول کنوانسیون از جمله اختلاس و آموزش و آگاهی‌سازی، پیشگیری از فساد در بخش خصوصی، همکاری و معاضدت قضایی و حقوقی در میان دولت‌های عضو اتحادیه آفریقایی، استرداد جرایم مربوط به اختلاس و رشاء و ارتشاء و ارتباط آنها با فساد را مقرر نموده است.

۲. بسترهای داخلی مبارزه با اختلاس

۲-۱. سیر قانونگذاری ایرانی در زمینه مبارزه با اختلاس^۱

نخستین قانون که به موجب آن، اختلاس به عنوان عمل مجرمانه مستوجب مجازات قرار گرفت قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ است. طبق ماده ۱۵۲ «هر یک از تحصیل‌داران و معاونین آنها و امانت‌داران و محاسبین و امنای صندوق دولتی که نقدینه متعلق به دولت یا اشخاص یا اسناد یا مطالبات که به منزله نقدینه است یا مطالبات که به منزله نقدینه است یا اوراق یا حوالجات یا اسناد یا اشیا منقوله را که بر حسب وظیفه سپرده به آنهاست اختلاس یا هر تصرف غیرقانونی نماید به علاوه رد مال و تأدیة غرامتی معادل ضعف مال، محکوم به انفصال ابد از خدمت دولت خواهد گردید». همان گونه که ملاحظه می‌شود مرتکبین جرم مذکور و همچنین نحوه عمل مرتکب در این ماده مبهم بوده و مقنن در اینجا

۱. به نظر می‌رسد که اختلاس در ایران نیز تاریخی به درازای تشکیل دولت داشته باشد، بدین صورت که از جمله در دوره تیموریان شاهد آن هستیم که شخصی به نام پیراحمد در منصب وزارت، نسبت به وزرای پیش از خود بسیار موفق عمل نمود اما وی دو بار در سال‌های ۸۲۸ و ۸۴۵ ه.ق در معرض اتهام سوءاستفاده مالی در ناحیه جام قرار گرفت و هر بار به مدت یک سال از وزارت برکنار شد.

فقط به ذکر عنوان اختلاس به صورت کلی اکتفاء کرده و مرتکبین را به صورت مجمل منحصر به برخی مأموران دولتی دانسته و مأمورین سایر سازمان‌های عمومی را مشمول حکم قرار نداده است. علت این امر بطور کلی بی‌یاد کم‌اهمیت بودن نهادهای عمومی غیردولتی در زمان تصویب قانون بوده است.

۲-۲. عناصر جرم اختلاس در جمهوری اسلامی ایران

اختلاس به معنای ربودن، دستبرد زدن به مال دیگران و از نظر حقوقی تصرف و دست‌اندازی بر مال دیگران با استفاده از غفلت است. از سوی دیگر، اختلاس به برداشت غیرقانونی اموال دولتی و یا غیردولتی که به دست کارمندان و کارکنان دولت یا وابسته به دولت صورت می‌گیرد گفته می‌شود و گونه‌ای از کلاهبرداری محسوب می‌شود که بیشتر به صورت برنامه‌ریزی شده، منظم و پنهان و بدون رضایت و آگاهی دیگران انجام می‌پذیرد. اختلاس از جمله تعدیّات کارمندان و کارکنان دولت و مؤسسه‌ها و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت و یا سایر مأموران به خدمات عمومی است که علیه اموال متعلق به دولت یا اشخاص دیگر، صورت می‌گیرد و همواره به عنوان تهدیدی جدی علیه دولت و ملت قلمداد می‌گردد (رمضانی، ۱۳۷۹: ۱۵۳).

بر اساس اصل سوم قانون اساسی، «ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضروری» جهت ایجاد یک نظام اداری سالم، مبارزه با اختلاس که در بدنه نظام اداری دولت امکان وقوع دارد ضروری است. در اصل ۴۹ قانون اساسی نیز آمده است: «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس (...) را گرفته و به صاحب حق رد کند (...)». با این مقدمه باید گفت که قانونگذار ایرانی رفتار مادی مجرمانه اختلاس را با عبارت «برداشت و تصاحب» بیان کرده ولی از این بیان نباید این گونه استنباط نمود که رفتار مجرمانه در این جرم مرگب از دو جزء است بلکه به نظر می‌رسد که چون اختلاس در بیشتر موارد از طریق وجوه نقد و توسط کسانی صورت می‌پذیرد که با پول نقد و امور مالی سروکار دارند به همین جهت قانونگذار برداشت و تصاحب را به یک معنا به کار برده یعنی

هر دو را به معنای تملک و تصرف مالکانه وجوه و تصاحب را ناظر به تملک و تصرف مالکانه سایر اموال دانسته است (حیب‌زاده، ۱۳۷۹: ۴۵).

قانونگذار جمهوری اسلامی ایران ابتدا جرم اختلاس را در ماده ۷۵ قانون تعزیرات سابق مقرر داشت و عنوان مأموران دولتی را نه تنها احصاء کرده بلکه در تبصره یک آن، کارمندان و کارکنان قوه مقننه و قضائیه را نیز مشمول جرم اختلاس مندرج در این ماده قرار داده است. اما از آنجا که سیاست کیفری قانونگذار ایجاب می‌نمود تا در صدد جلوگیری و مبارزه با مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری برآید، در سال ۱۳۶۴ قانون خاصی تحت عنوان «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری» توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۶۷/۰۹/۱۵ به تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. با عنایت به اینکه این قانون نسبت به سایر قوانین نسبتاً مناسب بود، به همین جهت در سال ۱۳۷۵ که قانون تعزیرات اصلاح شد، بحثی تحت عنوان اختلاس در قانون جدید پیش‌بینی نگردید و در حال حاضر رکن قانونی جرم اختلاس مقررات ماده ۵ قانون تشدید خواهد بود که مقرر می‌دارد: «هریک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان‌ها یا شوراهای و یا شهرداری‌ها و مؤسسه‌ها و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأموران به خدمات عمومی اعم از رسمی یا غیررسمی وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا سهام و اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان‌ها و مؤسسات فوق‌الذکر و یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مختلس محسوب و مجازات خواهد شد» (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴: ۱۸۹).

برخی از حقوق‌دانان بر این باورند که اختلاس مصداقی از جرم خیانت در امانت است و حتی نام‌گذاری آن به اختلاس را مورد انتقاد قرار داده و آن را صورت مشدده‌ای از جرم خیانت در امانت می‌دانند. بر اساس نظر این گروه، دو جرم یادشده در همه اجزاء و شرایط با یکدیگر کاملاً نزدیکی و مشابهت دارند جز در شرط وصف و خصوصیت مرتکب که از جمله شرایط مؤثر در تحقق جرم اختلاس است. بنابراین، ضرورتی ندارد که قانونگذار این

دو جرم را جدای از یکدیگر مورد حکم قرار دهد و بایستی با توجه به وصف و خصوصیت مرتکب، مجازات شدیدتری برای اختلاس پیش‌بینی کند، نه آنکه آن را جرم مستقل از خیانت در امانت به حساب آورد (منصورآبادی، ۱۳۸۰: ۳۲). از آنجا که در این جرم، مال قبلاً در اختیار مجرم قرار می‌گیرد، غالباً نمی‌توان برای آن شروع به جرم در نظر گرفت ولی نیاستی چنین پنداشت که نمی‌توان برای این جرم در هیچ صورتی شروع به جرم را متصور بود. از جهت رکن معنوی، این جرم علاوه بر علم و آگاهی مرتکب به موضوع و سوءنیت عام، نیاز به سوءنیت خاص نیز دارد. سوءنیت خاص در این جرم، قصد و نیت تملک مال است. بنابراین، احراز چنین قصدی برای محکومیت لازم و ضروری است.

آنچه از مفهوم سپرده شدن وجوه نقدی، مطالبات، حواله و سهام و یا سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان‌ها و مؤسسات مندرج در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری به ذهن متبادر می‌شود همان مفاهیم عرفی است و سپرده شدن نیز اعم از سپردن مستقیم و یا غیرمستقیم آن است. به عبارت دیگر، چگونگی سپردن وجه یا مال اعم از اینکه به وسیله مقام‌ها و یا سایر اشخاص حقیقی و حقوقی به مؤسسه‌ها و سازمان‌ها باشد مهم نیست.

با عنایت به عنصر قانونی جرم اختلاس و تعریفی که از آن به عمل آمد، ارکان تشکیل‌دهنده آن، رکن مادی و معنوی هستند که در این بخش به رکن مادی پرداخته می‌شود. مرتکب در این جرم نسبت به مال و یا اشیای دیگری که به حسب وظیفه به او سپرده شده خیانت می‌کند و صرف قصد موجب تعقیب کیفری نیست و عمل ارتكابی است که عنوان جرم دارد. با مقایسه ماده ۵ قانون تشدید با ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی ملاحظه می‌شود که مقنن در جرم اختلاس دو خصوصیت «مأمور دولت» و «برحسب وظیفه» را به جرم خیانت در امانت به مفهوم اخص اضافه نموده است. به عبارت دیگر، یکی از فرض‌های جرم خیانت در امانت به معنای اخص جرم اختلاس است که اختلاف آن با خیانت در امانت آن است که مرتکب آن مأمور دولت بوده و نسبت به اموال متعلق به دولت یا اموالی که از طرف اشخاص نزد دولت به امانت گذاشته شده و به حسب شغل یا مأموریت نزد وی است مرتکب خیانت می‌شود. برای تحقق رکن مادی جرم اختلاس بررسی عناصری از جمله سمت

مرتکب، موضوع جرم، بزه‌دیده جرم، سپرده بودن موضوع جرم، نحوه عمل مرتکب، اتلاف عمدی، و شروع به اختلاس لازم است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴: ۱۶۰).

اختلاس در اکثر موارد با جعل اسناد همراه است. جهت جلوگیری از افزایش جرم، مرتکب مبادرت به تهیه و استفاده از سند مجعول مبنی بر توجیه قانونی اعمال خود می‌نمایند، یعنی با ساختن اسناد جعلی تلاش می‌کند ترتیبی اتخاذ کند تا کسی متوجه اموال تصاحب‌شده نشود؛ به همین دلیل قانونگذار در این موارد مجازات را تشدید نموده است. تبصره دوم ماده پنج قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مقرر می‌دارد: «چنانچه عمل اختلاس توأم با جعل سند و نظایر آن باشد در صورتی که میزان اختلاس تا پنجاه هزار ریال باشد، مرتکب به دو تا پنج سال حبس و یک تا پنج سال انفصال و هرگاه بیش از این مبلغ باشد به هفت تا ده سال حبس و انفصال دایم از خدمات دولتی و در هر مورد علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس به جزای نقدی معادل دو برابر آن محکوم می‌شود». اختلاس از طریق تشکیل یا رهبری چند نفری نیز ارتکاب می‌یابد. معمولاً ارتکاب جرم به صورت دسته‌جمعی آثار مخرب بیشتری را به همراه دارد و پیشگیری در مورد مجرمینی که به صورت گروهی مرتکب جرم می‌شوند مشکل‌تر است، به همین دلیل در حقوق جزای ایران، ارتکاب جرم به صورت گروهی از کیفیات مشدده مجازات است. اختلاس نیز از قاعده فوق مستثنی نبوده و وفق ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری در صورت ارتکاب جرم اختلاس با تشکیل یا رهبری چند نفری علاوه بر انفصال دایم و جزای نقدی معادل کلیه اموال بدست آمده موجب حبس از پانزده سال تا ابد و در صورت صدق عنوان مفسد فی الارض موجب اعمال مجازات افساد فی الارض خواهد بود.

عنصر قانونی جرم اختلاس و شروع به آن در حقوق ایران در حال حاضر مواد ۵ و ۶ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری است. با وجود تصویب قانون تعزیرات ۱۳۷۵ با عنایت به جامعیت قانون تشدید درباره اختلاس، ماده ۵ این قانون همچنان به عنوان عنصر قانونی جرم اختلاس به قوت خود باقی است.

البته می‌توان به این نوع تعیین مجازات در مقایسه با مجازات‌های ثابت و غیرقابل تأثیر از میزان مال موضوع جرم انتقادی نیز داشت، زیرا تفاوت میان افرادی که مرتکب اختلاس به مبلغ کلان و اختلاس به مبلغ ناچیز می‌گردند صرفاً در مقدار مال مورد اختلاس است و این اشخاص در ارتکاب جرم با یکدیگر تفاوتی ندارند و هر دو با علم به مجرمانه بودن این عمل و با نیت و قصد مجرمانه مرتکب خیانت به نهادی که در آن مشغول به کار هستند و همچنین به کشور خود می‌گردند و میزان خطرناکی هر دو و احتمال ارتکاب جرم هر دو در آینده به یک اندازه است، در نتیجه توجه به نیت این افراد در ارتکاب جرم، مجازات یکسان و بدون تأثیر از میزان مال مورد اختلاس را ضروری می‌نماید. موضوع دیگری که در اینجا مطرح می‌گردد این است که آیا هدف مقنن از تشدید مجازات اختلاس نسبت به قوانین سابق با تصویب قانون تشدید مجازات و تعیین مجازات مقرر در فوق و همچنین مجازات صورت‌مشدده آن محقق گردیده است؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت شاید مجازات جرم اختلاس با پیش‌بینی سه مجازات فوق که بسته به میزان مال مورد اختلاس شدیدتر هم خواهد شد نسبت به مجازات این جرم در ماده ۷۵ قانون تعزیرات ۱۳۶۲ شدیدتر شده باشد، اما این مجازات نسبت به مجازات این جرم در قوانین قبل از انقلاب شدیدتر نشده و عیناً از قانون ۱۳۵۵ برداشته شده و شاید بتوان گفت که مقررات قانون یادشده عیناً احیاء گردیده و بیشتر از اینکه در مصوبه اخیر تشدید صورت گرفته باشد بازگشتی به مقررات سابق رخ داده و مقنن در پی اصلاح قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ بوده است. مطلب دیگری که در اینجا یادآوری می‌گردد و ضرورت اصلاح آن با توجه به مقتضیات زمان و کاهش ارزش پول ضروری به نظر می‌رسد مبلغ تعیین‌شده پنجاه هزار ریال است، زیرا این مبلغ با واقعیت جامعه امروز همخوانی ندارد و امروزه با توجه به نرخ تورم نمی‌تواند مناسب و قابل توجیه باشد. تبصره ۴ ماده ۵ قانون تشدید در مورد تعیین ارزش اموال اختلاس‌شده مقرر می‌دارد: «حداقل نصاب مبلغ مذکور در جرایم اختلاس از حیث تعیین مجازات یا صلاحیت محاکم اعم از این است که جرم دفعتاً واحده یا به دفعات واقع شده و جمع مبلغ مورد اختلاس بالغ بر نصاب مزبور باشد». حکم تبصره در مورد صلاحیت محاکم در حال حاضر موردی ندارد و قابل اجراء نیست اما حکم این تبصره حاوی این پیام است که مجموعه عملیات مجرمانه شخص

مرتکب، یک جرم تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، در صورتی که مرتکب، مال موضوع اختلاس را در دفعات متعدد برداشت و تصاحب نموده باشد، عمل وی چند جرم و به عبارت صحیح‌تر تعدد مادی محسوب نمی‌شود بلکه این اعمال مجموعاً یک جرم تلقی می‌شوند و جمع ریالی مبالغ اختلاس شده ملاک محاسبه میزان مورد اختلاس و تعیین مجازات قرار می‌گیرد. چنین اعمالی را حقوقدانان جرایم جمعی متحدالقدر و یا جرایم استمرار یافته می‌دانند. تبصره ۱ ماده ۵ قانون تشدید مجازات در مورد اتلاف عمدی مقرر می‌دارد: «در صورت اتلاف عمدی مرتکب علاوه بر ضمان به مجازات اختلاس محکوم می‌شود». در واقع، اتلاف اموال موضوع جرم اختلاس به همراه سایر شرایط لازم برای تحقق این جرم، مرتکب را به مجازات جرم اختلاس محکوم می‌کند و این نوع از عبارات مبین این است که اتلاف عمدی اموال موضوع این جرم اختلاس محسوب نمی‌شود بلکه در حکم اختلاس است و تعیین مجازات بر اساس اینکه چه میزانی از مال اتلاف شده باشد و در تطبیق با میزان مقرر پنجاه هزار ریال در ماده ۵ تعیین می‌گردد.

یکی از مجازات‌های صورت ساده جرم اختلاس انفصال موقت به مدت شش ماه تا سه سال است. مجازات انفصال به عنوان یکی از مجازات‌های تعزیری مطرح است. طبق نظریه شماره ۷/۳۰۸۱ اداره حقوقی قوه قضائیه مورخ ۷۳/۶/۳۰، مجازات انفصال موقت یا دایم از خدمت، مجازات تعزیری محسوب می‌گردد که در بندهای «ذ» و «ر» قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵ تعریف گردیده است. به موجب این مقرر، انفصال موقت یا دایم وضعی است استخدامی است که به موجب حکم قطعی دادگاه اداری یا کیفری اصالتاً یا تبعاً برای مدت معینی از اشتغال به خدمت ممنوع یا برای همیشه از خدمت دولت محروم است؛ بطور کلی در مورد انفصال در جرم اختلاس ابهامات و نکاتی وجود دارند که در زیر به بیان آنها می‌پردازیم.

اولین ابهام این است که مقنن در ماده ۵ قانون تشدید به عنوان مجازات صورت ساده جرم اختلاس، انفصال را از شش ماه تا سه سال پیش‌بینی کرده اما آنچه در این جا مبهم است اینکه آیا این انفصال موقت شش ماهه تا سه ساله صرفاً از خدمت در سازمان و مؤسسه مربوطه است و یا اینکه بطور کلی انفصال از خدمت در کلیه سازمان‌ها و مؤسسه‌های دولتی است؟

مقنن در بیان مجازات انفصال در مواد مختلف قانونی از تعابیر مختلفی استفاده نموده که هر یک مبین معنای خاصی است. بعضی از این تعابیر عبارتند از انفصال از خدمت و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت سه تا پنج سال (ماده ۸۰۳ قانون یادشده)، انفصال دایم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال (ماده ۸۰۶ قانون مجازات اسلامی)، انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال (ماده ۸۰۷ قانون مجازات اسلامی)، شش ماه تا سه سال انفصال موقت از خدمات دولتی (تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید). بعضی از این تعابیر به معنای انفصال و محرومیت موقت و یا دایمی از همان شغل و سمت خاص در همان سازمان و مؤسسه است و بعضی دیگر به معنای انفصال موقت و یا دایمی از کلیه مشاغل دولتی در کلیه سازمان‌ها و مؤسسه‌های دولتی است.

آخرین جزء متشکله هر جرم، رکن معنوی آن است. مرتکب ابتدا باید در ذهن خود، تصمیم به انجام عمل مجرمانه بگیرد و سپس قصد خود را به ظهور رساند در غیر این صورت و چنانچه رکن مادی جرم (رفتار مجرمانه) نیز صورت پذیرد با توجه به اینکه عمل مجرم اخلاقاً مذموم نبوده و به تعبیر جرم‌شناسی مجرم فاقد حالت خطرناک است، لذا مجازات چنین فردی با توجه به فلسفه و مبنای حقوق جزا قبیح است.

اهمیت اموال دولتی و حساسیت نسبت به امانتداری و دقت در نگهداری از آن توسط مأمورین مربوط، موجب گردیده که تضييع غیر عمدی اموال مذکور توسط مأمور امین نیز مستحق مجازات باشد. اما عنصر روانی اختلاس تابع اصل کلی عمدی بودن جرایم و سوءنیت مرتکب آن زمانی کامل است که رفتار مجرمانه با اراده کامل و آزاد و با قصد نقض ارزش مورد نظر قانونگذار و تحصیل نتیجه مجرمانه صورت گرفته باشد. بنابراین، رکن معنوی اختلاس به صورت زیر قابل تشریح است: ۱- سوءنیت عام یا قصد انجام عمل مجرمانه؛ ۲- سوءنیت خاص.

۲-۳. سازکارهای جمهوری اسلامی ایران برای مبارزه با اختلاس

سازکارهای مزبور شامل داخلی و بین‌المللی می‌گردند. در مورد سازکارهای داخلی مبارزه با اختلاس می‌توان علاوه بر دستگاه‌های بازرسی و حراست دستگاه‌های دولتی که وظیفه

ذاتی آنها مبارزه با انواع تخلفات اداری از جمله بروز جرم اختلاس در سطح کارمندان متبوع آن دستگاه است، به قوه قضائیه اشاره داشت که نخست با تشکیل دادگاه‌های ویژه کارمندان دولت، به جرایم کارمندان دولت به ویژه اختلاس رسیدگی می‌نماید. دوم، در این زمینه سازمان‌های تابعه قوه قضائیه بویژه سازمان بازرسی کل کشور نیز با اعزام گشت‌های عادی و ویژه می‌تواند اقدام به مبارزه با انواع ابعاد جرایم مالی و اقتصادی کارمندان دولت نماید. از آنجا که موضوع بحث این پژوهش بطور عمده مرتبط با مباحث بین‌المللی است، بنابراین بهتر در اینجا آن است که به سازکارهای بین‌المللی مبارزه با اختلاس در جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود.

مهم‌ترین این سازکارها مرجع ملی کنوانسیون مبارزه با فساد مستقر در وزارت دادگستری جمهوری اسلامی ایران است که اگرچه در مبحث اجرایی ورود پیدا نکرده و وظایف هماهنگ‌سازی را در این راستا برعهده دارد. این مرجع که به ریاست وزیر دادگستری تشکیل گردیده متشکل از رئیس، دبیر، معاونین و کارشناسان تحلیل و بررسی و پیگیری و دستیاران ویژه وزیر در این ارتباط است. این مرجع از آنجا که نقش عمده‌ای را در مبارزه با اختلاس از منظر حقوق بین‌الملل برای ایران بازی می‌کند مورد توجه قرار گرفته است. مرجع مزبور با تشکیل یک شورای هماهنگی کنوانسیون که متشکل از دستگاه‌های مختلف اجرایی از جمله قوه مجریه و قوه قضائیه و نهادهای دیگر از جمله صدا و سیما است، در زمینه سیاستگذاری کلان مبارزه با فساد در سطح عام و مبارزه با اختلاس در سطح خاص اقدام نموده است.

۳. چالش‌ها و خلای‌های نظام حقوقی داخلی و بین‌المللی مبارزه با اختلاس

علاوه بر چالش‌ها و خلای‌هایی که به صورت جداگانه در هر یک از نظام‌های حقوقی داخلی ایران و حقوق بین‌الملل در ارتباط با تأثیرگذاری حکمرانی مطلوب بر مبارزه با اختلاس وجود دارند، چالش‌ها و خلای‌هایی نیز به صورت مشترک در هر دو نظام حقوقی داخلی و بین‌المللی وجود دارند. این چالش‌ها و خلای‌های مشترک عبارتند از مدنظر قرار ندادن

جبران خسارت بزه‌دیدگان در زمینه‌های مرتبط با حکمرانی مطلوب و مبارزه با اختلاس و ابهام در مفهوم حکمرانی مطلوب.

۱-۳. مدنظر قرار ندادن جبران خسارت بزه‌دیدگان در زمینه‌های مرتبط با حکمرانی

مطلوب و مبارزه با اختلاس

اصولاً هدف اصلی هر اقدام کیفری این است که نظم را که بوسیلهٔ یک عمل نابهنجار خدشه دار شده مجدداً در جامعه برقرار نماید. مدتهاست که حقوق‌دانان و جامعه‌شناسان به این نتیجه رسیده‌اند که صرف تنبیه و ترهیب مجرم نمی‌تواند هدف غایی اعمال مجازات باشد و قانون بایست با حمایت از بزه‌دیده جهت برقراری دوبارهٔ نظم از دست‌رفتهٔ جامعه تلاش نماید. جبران خسارت از بزه‌دیده نه تنها یکی از صور حمایت از وی بلکه بنیادین‌ترین آنهاست. در همین راستا، اسناد بین‌المللی متعددی دولت‌ها را ترغیب نموده‌اند تا منابع حاصل از ضبط عواید ناشی از جرم را در درجهٔ اول، به جبران خسارت بزه‌دیدگان تخصیص دهند. کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل پس از آنکه در مادهٔ ۲۵ خویش حق بر جبران خسارت بزه‌دیدگان را به رسمیت می‌شناسد،^۱ در بند ۳ مادهٔ ۵۷ اولویت بازگشت عواید مصادره‌شدهٔ حاصل از جرم به کشور متقاضی استرداد را بر مبنای تخصیص این دارایی‌ها به مالکان قانونی و یا جبران خسارت بزه‌دیدگان جرم به رسمیت می‌شناسد (United Nation Convention Against Corruption, 2003: Art. 57, Para3).

در این راستا بند ۲ از مادهٔ ۱۴ کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی مقرر می‌دارد هنگامی که کشوری با درخواست استرداد اموال مصادره‌شدهٔ ناشی از جرم عضو دیگری از کنوانسیون مواجه می‌شود، بایست در حدود مقرر در قوانین داخلی خود، بازگرداندن عواید حاصل از جرم یا اموال مصادره‌ای به کشور عضو درخواست‌کننده را در اولویت قرار دهد تا بدین ترتیب آن کشور بتواند خسارات وارده به بزه‌دیدگان را جبران یا عواید

۱. مادهٔ ۳۵ کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل متحد مقرر می‌دارد: «هر کشور عضو، اقدامات ضروری را طبق اصل قانون داخلی خود اتخاذ خواهد نمود تا تضمین کند افراد یا واحدهایی که در اثر فساد متحمل زیان شده‌اند، حق دارند تا علیه اشخاصی که مسئول آن زیان هستند به منظور دریافت خسارت، اقامه دعوا نمایند».

حاصل از جرم یا اموال مزبور را به صاحبان مشروع آنها بازگرداند (The United Nations Convention against Transnational Organized Crime, 2000: Art 14, para 2). در ائتلافی اروپا نیز کنوانسیون در سال ۲۰۰۵ در ارتباط با «تطهیر، ردیابی، توقیف و مصادره اموال ناشی از جرایم و تأمین مالی تروریسم»^۱ به تصویب رسید که تصریح می‌کند چنانچه دولت عضوی حسب تقاضای دولت عضو دیگر اقدام به مصادره نماید، بایست در حدود قوانین داخلی، درخواست استرداد اموال از سوی دولت متقاضی را اجابت نماید، البته به شرطی که آن دولت بنا داشته باشد این اموال را در راستای جبران خسارت بزه‌دیدگان صرف نماید (UNTOC, 25: 1).

در جست‌وجوی رویه کشورهای در ارتباط با جبران خسارت بزه‌دیدگان از طریق منابع مالی فراهم آمده در اثر مصادره اموال ناشی از جرم، می‌توان به تشکیل صندوق‌های مدیریت اموال مصادره شده که در راستای جبران خسارت بزه‌دیدگان فعالیت می‌نمایند اشاره نمود. البته دسترسی به اموال مصادره شده از طریق این صندوق‌ها جهت جبران خسارت وارده به بزه‌دیدگان، راه انحصاری وصول خسارت نیست و در قوانین متعددی دادگاه به صورت مستقیم و بی‌واسطه امر به هزینه کرد اموال مصادره شده برای این منظور می‌نماید (Australia Proceeds of Crime Act, 2014: 51).

۲-۳. ابهام در مفهوم و اجرای حکمرانی مطلوب

در حوزه مبارزه با اختلاس و در کل جرایم مالی، مهم‌ترین چالش ابهام در مفهوم و اجرای حکمرانی مطلوب است. در این راستا، در زمینه حکمرانی مطلوب، نبود دموکراسی در سطح بین‌المللی و تمرکز قدرت سیاسی و اقتصادی در شمال قابل توجه است. همچنین، وضع عمده قواعد حقوق بین‌الملل در زمینه جرایم سازمان‌یافته بین‌المللی از سوی کشورهای توسعه یافته بوده و کشورهای در حال توسعه به میزان بسیار ناچیزی در روند تدوین و توسعه آن نقش داشته‌اند و حقوق مبارزه با اختلاس نیز از این روند مستثنی نیست.

1. The Council of Europe Convention on Laundering, Search, Seizure and Confiscation of the Proceeds from Crime and on the Financing of Terrorism (2005).

(<https://www.ohchr.org>). اصلاح نظام سازمان ملل متحد یا سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان تجارت جهانی یا نهادهای برتون وودرز، که در زمینه مبارزه با اختلاس نیز نقش مهمی را ایفاء نموده‌اند، نمی‌تواند شرط کافی برای تغییر واقعی در حکمرانی مطلوب باشد. این امر علل مختلفی را می‌تواند با خود به همراه داشته باشد؛ اولین دلیل آن است که حکمرانی مطلوب در پایان جنگ سرد توسعه گسترده‌ای یافت که در آن مفهوم پوزیتیویستی دولت‌محور بودن در اساس و هسته حقوق بین‌الملل قرار داشت و سایر ذینفعان همچون سازمان‌های مردم‌نهاد عملاً تکالیف حقوقی را بر خود بار می‌نمودند. این در حالی است که پس از پایان جنگ سرد، این وضعیت تا به امروز دچار تحولات اساسی شده و امروزه دیگر نمی‌توان دولت‌ها را تنها بازیگر بین‌المللی مدنظر قرار داد و بنابراین دولت‌ها بایستی امروزه نسبت به جرم‌انگاری خاص و متمایز اختلاس در بخش خصوصی اقدام نمایند، اگرچه تحت عناوین دیگری بتوان نسبت به تحقیق و تعقیب قضایی آن اقدام نمود.

۳-۳. مدنظر قرار ندادن سایر ذینفعان مبارزه با اختلاس

یکی از مجموعه شاخص‌های اصلی تحقق حکمرانی مطلوب در سال ۲۰۰۹ م. توسط مؤسسه حکمرانی بازل به همراه برنامه توسعه ملل متحد دستورالعملی با عنوان «خودارزیابی‌های کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با فساد: فراتر از حداقل رفتن»^۱ است که برای ترغیب دولت‌های عضو به منظور آغاز فرآیند بررسی کنوانسیون مزبور از طریق درگیر نمودن ذینفعان متعدّد منتشر گردید. در این دستورالعمل، سه اولویت اصلی برای دولت‌های عضو کنوانسیون مریدا ذکر شده است؛ اول اینکه دولت‌ها بایستی فاصله بین قوانین، نهادها و مؤسسه‌های مسئول مبارزه با فساد در معنای اعم و اختلاس در معنای اخص آن با کارآمدی آنها را کاهش دهند. در این راستا، دولت‌های عضو باید بر مبنای همکاری با سازمان‌های بین‌المللی، بخش خصوصی و جامعه مدنی برنامه‌های اقدام ضد فساد را مبتنی بر توصیه‌های بازنگری کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با فساد صورت دهند. دوم، مشارکت کامل جامعه مدنی که یکی از مظاهر بارز تحقق حکمرانی مطلوب است در پیشگیری و مبارزه با اختلاس اجتناب‌ناپذیر

1. UNCAC Self-Assessments: Going Beyond the Minimum.

بوده چرا که پیشگیری و مبارزه با اختلاس به طور اخص نیازمند اقدام دسته‌جمعی است. نکتهٔ سوّم که ارتباط مستقیم‌تری با حکمرانی مطلوب پیدا می‌نماید، آن است که دولت‌های عضو کنوانسیون مریدا باید در اجرای تصمیم‌ها، قوانین و سیاست‌های ضدّ اختلاس خود، اهداف توسعهٔ پایدار ۲۰۳۰ را اجرایی نمایند. در این زمینه همچنین می‌توان به راهبرد ضدّ فساد برای مشاغل حقوقی^۱ اتحادیهٔ بین‌المللی کانون‌های وکلای در آوریل ۲۰۱۰ میلادی اشاره نمود که در همکاری با سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی و دفتر مبارزه با موادّ مخدرّ و جرم ملل متحد تدوین شده است. این طرح بر نقش و کلاء در مبارزه با مصادیق فساد از جمله اختلاس در معاملات بین‌المللی و تأثیر آن بر رویهٔ قانونی اسناد حقوقی بین‌المللی ضدّ فساد و قانونگذاری‌های مرتبط داخلی آن که از قابلیت اعمال فراسرزمینی برخوردار بوده متمرکز است (<https://www.oecd.org>).

نتیجه

در طول چند دههٔ گذشته، مطالعات بسیاری در مورد مبارزه با اختلاس از جنبه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، حقوقی و جامعه‌شناختی انجام گرفته است. هر یک از این مطالعات به غنای مبحث مهمّ مبارزه با اختلاس به عنوان یکی از جرایمی که اعتماد عمومی نسبت به دولت را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد افزوده است و موجب شده که مطالعات جدید در زمینهٔ مبارزه با اختلاس و حکمرانی مطلوب از منظر حقوق بین‌الملل هدایت شوند. بطور کلی بایستی بر این اعتقاد بود که ابعاد مختلف فساد در معنای اعم و اختلاس در معنای اخصّ آن یک پدیدهٔ چندبعدی بوده که ریشه در بافت و ساختار جوامع مدرن دارد و از این رو می‌توان جرم اختلاس را به عنوان یکی از جدی‌ترین چالش‌های نظام‌ها و جوامع مختلف اقتصادی مطرح نمود. به نظر می‌رسد که مبارزه با فساد بیش از آنکه یک اقدام جهانی باشد، یک اقدام منطقه‌ای است. با ملاحظهٔ پیشینهٔ اسناد حقوقی بین‌المللی در زمینهٔ مبارزه با فساد بطور عام و مبارزه با اختلاس بطور خاص نیز شاهد چنین رویکردی هستیم، چنانکه نخستین اسناد بین‌المللی در زمینهٔ مبارزه با فساد، اسناد منطقه‌ای بودند همچون کنوانسیون مبارزه با فساد

1. Anti-Corruption Strategy for Legal Profession.

سازمان کشورهای آمریکایی و کنوانسیون مبارزه با ارتشاء مقام‌های دولتی در معاملات تجاری بین‌المللی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی. بعلاوه، همکاری‌های بین‌المللی در زمینه مبارزه با انواع مصادیق فساد از جمله اختلاس عمدتاً به صورت منطقه‌ای و نه بین‌المللی بوده‌اند.

تفاوت‌هایی میان جرم‌انگاری اختلاس در کنوانسیون مریدا با نظام حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران به چشم می‌خورند، از جمله اینکه در کنوانسیون مریدا که ایران نیز بدان پیوسته اختلاس در بخش خصوصی نیز پیش‌بینی شده است. به عبارت دیگر، رویکرد کنوانسیون عدم تمایز میان اختلاس در بخش خصوصی و بخش دولتی است. اگرچه برخی این پیشنهاد را مطرح نموده‌اند که اختلاس در بخش خصوصی مقرر در کنوانسیون مریدا معادل جرم خیانت در امانت در حقوق ایران است، طبق اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری و قانونی بودن جرم و مجازات، نبایستی چنین تعبیری را مورد پذیرش قرار داد چراکه در نظام‌های حقوقی کشورهای پیشرفته از جمله آلمان و ایالات متحده نیز بین اختلاس در بخش خصوصی و خیانت در امانت تفکیک کرده‌اند. از سوی دیگر، برخی مفاهیم در کنوانسیون مریدا در تعریف جرم اختلاس وجود دارند که در حقوق ایران به دقت مورد تعریف قرار نگرفته‌اند و مشخص نیست که جمهوری اسلامی ایران از چه رویکردی در زمینه تعریف مفاهیم فوق استفاده نموده و این یکی از چالش‌های اصلی جرم‌انگاری جرم اختلاس تلقی می‌گردد.

در عرصه حقوق بین‌الملل نیز چالش‌های فراوانی در زمینه جرم‌انگاری اختلاس بویژه با توجه به معیارهای حکمرانی مطلوب وجود دارد. اختلاس اصولاً جرمی است که مقام‌های عمومی در راستای اعمال وظایف رسمی و دولتی خود آن را مرتکب می‌شوند و بنابراین، مفاهیم بنیادین حکمرانی مطلوب می‌تواند به بحث مبارزه با اختلاس نیز یک مبنای دموکراتیک و مشارکت‌محور عمومی دهد. از این رو، این تعبیر بایستی مورد پذیرش قرار بگیرد که هرگونه مبارزه دولت‌ها با اختلاس موجب تقویت مشروعیت و دموکراسی در کشور مزبور می‌گردد.

Somayehsadat Mirilavasani  <http://orcid.org/0000-0003-3249-5377>

Mohamad Ghorbanzadeh  <http://orcid.org/0000-0001-9918-8901>

Behnam Akbari  <http://orcid.org/0000-0002-1124-3855>

منابع

الف) فارسی

- پناهی، حسین، رستمی، همّت ستار. (پاییز ۱۳۹۶). «بررسی رابطه میان رشد اقتصادی و جرم: شواهدی از استانهای ایران»، فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی، شماره ۸۳، جوانمرد، بهروز. (پاییز ۱۳۹۰). «تحلیل جرمشناختی روانشناختی بزهکاری در پرتو نظریه شخصیت مجرمانه با تأکید بر سه پرونده جنایی»، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، شماره ۴۵ و ۴۶.
- حبیب زاده، محمدجعفر، منصورآبادی، عباس. (تابستان ۱۳۷۹). «بررسی تطبیقی اختلاس و تصرف غیرقانونی در حقوق کیفری ایران»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۴، شماره ۲.
- دلماش مارتی- میریل. (۱۳۸۱). نظامهای بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان.
- رضائی، احمد. (زمستان ۱۳۷۹). «بررسی تطبیقی ارکان جرم اختلاس»، فصلنامه نامه مفید، دوره ۶، شماره ۴.
- سعیدی، داوود، سالارزایی، امیر، حمزه و کیخا، محمدرضا. (پاییز ۱۳۹۵). «تحلیل حقوقی عوامل اقتصادی جرم (جامعه نمونه: هند و ایران)»، فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال ۷، شماره ۲۸.

بررسی تطبیقی بسترهای ملی و بین‌المللی پیرامون مبارزه با اختلاس؛ میری لواسانی | ۱۹۱

فَعَالِجُو، حمیدرضا، ملابهرامی، احمد، امیری، حسین. (تابستان ۱۳۹۶). «بررسی غیرخطی عوامل مختلف اقتصادی مؤثر بر وقوع جرم در ایران»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۴، شماره ۹۰.

قاهر دوست، علیرضا، یزدانی، حمیدرضا، ناصرزاده، سیدمحمد رضا. (بهار ۱۳۹۴). «بررسی چگونگی تأثیر حقوق و دستمزد بر کاهش فساد اداری و مالی»، فصلنامه مطالعات منابع انسانی، سال ۵، شماره ۱۵.

کی نیا، مهدی (۱۳۸۴). *روانشناسی جنایی* (جلد ۱)، تهران، انتشارات رشد. گورف، فرانسوا. (۱۳۸۲). *روانشناسی قضایی*، ترجمه محمدحسین سروری، تهران، انتشارات نگاه.

منصورآبادی، عباس. (پاییز ۱۳۸۰). «بررسی تطبیقی خیانت در امانت و اختلاس»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی*، دوره ۱۷، شماره ۱.

میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۹۴). *حقوق جزای عمومی*، تهران، انتشارات میزان. نظری نژاد، محمد رضا، اسفندیاری فر، خشایار. (بهار و تابستان ۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با فساد مالی و قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد»، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال ۷، شماره ۱.

نوغانی دخت بهمنی، محسن، میرمحمدتبار، احمد. (زمستان ۱۳۹۴). «بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم (فراتحلیلی از تحقیقات انجام‌شده در ایران)»، *فصلنامه پژوهشهای راهبردی/امنیت و نظم اجتماعی*، سال ۱۴، شماره پیاپی ۱۱، شماره سوم.

(ب) انگلیسی

Australia Proceeds of Crime Act 2002 and Honduras Asset Forfeiture Act, published through Decree No. 27-2010, modified by Decree No. 512014.

Delmas Marti, Mirielle. (2002). *The Great Systems of Criminal Policy*, translated by Ali Hossein Najafi Abrandaabaadi, Mizan Publishing. [In Persian]

- De Sanctis, Fausto Martin. (2013). *Money Laundering Through Art: A Criminal Justice Perspective*, Springer Science & Business Media.
- Faaljoo, Hamidreza; Malabahrani, Ahmad and Amiri, Hossein (2017). "Nonlinear study of various economic factors affecting the occurrence of crime in Iran", *Quarterly Journal of Parliament and Strategy*, 24, No. 90. [In Persian]
- Gulf, François. (2003). *Judicial Psychology*, translated by Mohammad Hossein Sarvari, Tehran, Negah Publications
- Habibzadeh, Mohammad Jafar and Mansourabadi, Abbas (2000). "A Comparative Study of Embezzlement and Illegal Possession in Iranian Criminal Law", *Quarterly Journal of Teacher of Humanities*, Volume 4, Number 2. [In Persian]
- Hussain, Yasir. (2012). *Corruption Free India: Fight to Finish*, read worthy.
- International Monetary Fund. (2008). *Liechtenstein: Detailed Assessment Report on Anti-Money Laundering and Combating the Financing of Terrorism*, International Monetary Fund.
- Javanmard, Behrooz (2011). "Criminological psychological analysis of crime in the light of the theory of criminal personality with emphasis on three criminal cases", *Journal of the Central Bar Association*, No. 45 and 46. [In Persian].
- Jones, Caitlin. (2005). *Magnetic and Environmental Influences of Criminal Behaviour*, Rochester in Statitute of Techbilogy.
- Jones, Caitlin. (2005). *Magnetic and Environmental Influences of Criminal Behaviour*, Rochester in Statitute of Techbilogy.
- Keynia, Mahdi. (2005). *Criminal Psychology (Volume 1)*, Tehran, Roshd Publications. [In Persian]
- Mansourabadi, Abbas. (2001). "A Comparative Study of Infidelity in Trust and Embezzlement", *Journal of Social Sciences and Humanities*, Volume 17, Number 1, Series 33.
- Michael, Bryane. (2005). "Anti-corruption Training Programmes in Central and Eastern Europe", *Council of Europe*, Volume 722.
- Mirmohammadsadeghi, Hossein (2015). *General Penal Law*, Mizan Publications. [in Persian]
- Nazarinejad, Mohammad Reza and Esfandiarifar, Khashayar. (2016). "A Comparative Study of the International Convention against Corruption and the Law on Promoting the Health of the

Administrative System and Combating Corruption”, *Journal of Criminal Law*, Year 7, Issue 1. [In Persian].

Noghani Dokht Bahmani, Mohsen and Mirmohammadtabar, Seyed Ahmad. (2015). “A Study of Economic Factors Affecting Crime (a meta-analysis of research conducted in Iran)”, *Quarterly Journal of Strategic Research on Security and Social Order*, Year 4, Issue 11, Number 3. [In Persian]

OECD, Risks and Threats of Corruption and the Legal Profession, (<https://www.oecd.org/investment/anti-bribery/46137847.pdf>.)

Panahi, Hossein and Rostami, Hemmat Sattar. (2017). “A Study of the Relationship between Economic Growth and Crime: Evidence from Iranian Provinces”, *Quarterly Journal of Economic Research and Policy*, No. 83, Year 25. [In Persian]

Qaherdoost, Alireza, Yazdani, Hamidreza, Naserzadeh, Seyed Mohammadreza (2015). “A Study of the Impact of Wages on Reducing Administrative and Financial Corruption”, *Quarterly Journal of Human Resources Studies*, Year 5, Issue 15. [In Persian]

Rajagopal, Balakishnan, Global Governance: Old and New Challenges, Realizing the Right to Development, OCHR, (<https://www.ohchr.org/Documents/Issues/Development/RTDBook/PartIIChapter13.pdf>)

Ramezani, Ahmad (2000). “Comparative study of the elements of the crime of embezzlement”, *Mofid Quarterly*, Volume 6, Number 4 (24 consecutive). [In Persian]

Rose-Ackerman, Susan and Søreide, Tina. (2011). *International Handbook on the Economics of Corruption*, Edward Elgar Publishing.

Rothstein, Bo et al. (2013). *Quality of Government and Corruption from a European Perspective: A Comparative Study on the Quality of Government in EU Regions*, Edward Elgar Publishing.

Saeedi, Davood; Salarzaei, Amir Hamzeh and Kikha, Mohammad Reza. (2016). “Legal Analysis of Economic Factors of Crime (Sample Society: India and Iran)”, *Quarterly Journal of Subcontinental Studies*, Sistan and Baluchestan University, Year 7, Issue 28. [In Persian]

Szarek-Mason, Patrycja. (2010). *The European Union's Fight Against Corruption: The Evolving Policy Towards Member States and Candidate Countries*, Cambridge University Press.

Tänzler, Dirk and Maras, Konstadinos. (2016). *The Social Construction of Corruption in Europe*, Routledge.

Tarun, Robert W. (2010). *The Foreign Corrupt Practices Act Handbook: A Practical Guide for Multinational General Counsel, Transactional Lawyers and White Collar Criminal Practitioners*, American Bar Association.

استناد به این مقاله: میری لواسانی، سمیه سادات؛ قربانزاده، محمد و اکبری، بهنام. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی بسترهای

ملی و بین‌المللی پیرامون مبارزه با اختلاس. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱۰(۳۹)، ۱۶۵-۱۹۴. doi:

10.22054/jclr.2022.51192.2085



Criminal Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.